دو فصلنامه علمی
پژوهشهای تطبیقی
در حقوق و علوم اجتماعی

Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences

A look at the economic and Financial Crimes of ordinary people and influential government officials From unfair judicial treatment to specific criminal cultures

Zahra Shamci Zad [1]

Ph.D. in Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

Zahra.shamcizad@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
13 November 2025

Accepted، Available online :
7 December 2025

Keywords:
Economic crimes,
influential people,
corruption,
criminal culture

ABSTRACT

Financial and economic crimes cover a range of illegal activities resulting in financial losses and damages to economies and institutions. These crimes include, crimes in the area of conflict of interest fraud, tax evasion, money laundering, financial corruption, etc. If this approach is taken by influential people, such as the formation of rentier groups with all kinds of immunity and... It can be a very serious disadvantage for the ruling political system, such as the deprivation of public trust in the governance of judicial discrimination and... The purpose of this is to recognize some of these injuries.In this article we will look at the analytical descriptive look to find an answer to this question How can the existence of criminal subcultures of economic and financial crimes in people with political influence in dealing with the criminal justice system be discussed and explained It seems that the presence of criminal cultures in the form of specific political immunities makes it easier for people with political influence to commit economic crimes. And they commit money,and it causes the social divide and the frustration of justice among the public, the platforms of protests and political and security insecurities and so on....) Find the figure. There are different ways out there to minimize injuries, including (the real circulation of the elite, the expansion of electronic and popular surveillance, and so on...) That can reduce this situation, bring it closer to the desired situation.

Cite this article Shamci zad,Zahra.(2025) A look at the economic and Financial Crimes of ordinary people and influential government officials From unfair judicial treatment to specific criminal cultures. **Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences**، 2(1).55-77.

CC BY NC

Publisher: Hamyar Jahed Publications.

نگاهی به جرائم اقتصادی و مالی مردم عادی و افراد منتسب حکومتی صاحب نفوذ از برخورد ناعادلانه قضایی تا فرهنگ‌های خاص مجرمانه

زهرا شمسی زاد [۱]

دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی ، واحد سمنان ، دانشگاه آزاد اسلامی،سمنان ، ایران

Zahra.shamcizad@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱٤۰٤/۰۸/۲۲

تاریخ پذیرش و انتشار:
۱٤۰٤/۰۹/۱٦

کلیدواژه‌ها:
جرائم اقتصادی،
افراد صاحب نفوذ،
فساد،
فرهنگ مجرمانه

چکیده

جرائم مالی و اقتصادی طیف وسیعی از فعالیت‌های غیرقانونی را در بر می‌گیرد که منجر به خسارات مالی و خسارت به اقتصادها و مؤسسات می‌شود. این جرائم شامل، جرائم حوزه تعارض منافع کلاهبرداری، فرار مالیاتی، پولشویی، فساد مالی و غیره است. اگر این رویکرد توسط افراد صاحب نفوذ صورت پذیرد مانند (شکل گیری گروه‌های رانت خوار با انواع مصونیت و...) می‌تواند تبعاب بسیار سنگینی برای نظام سیاسی حاکم مانند (سلب اعتماد عمومی در حکمرانی تبعیض گونه قضایی و...) داشته باشد که هدف این شناخت برخی از این آسیب‌ها می‌باشد. در این مقاله با نگاهی توصیفی تحلیلی در پی یافتن پاسخی برای این سؤال هستیم وجود خرده فرهنگ‌های مجرمانه جرائم اقتصادی و مالی در افراد صاحب نفوذ سیاسی در برخورد با دستگاه عدالت کیفری چگونه قابل بحث و تبیین است؟ به نظر می‌رسد وجود فرهنگ‌های مجرمانه در قالب مصونیت‌های خاص سیاسی باعث می‌شود که افراد صاحب نفوذ سیاسی براحتی جرائم اقتصادی و مالی را مرتکب شوند سبب می‌شود (شکاف اجتماعی و سرخوردگی عدالت در بین عامه مردم، بستر سازی اعتراضات و ناامنی‌های سیاس و امنیتی و....) نمود پیدا کند. راهکارهای متفاوتی برای برون رفت و به حداقل رساندن آسیب‌ها از جمله (گردش واقعی نخبگان، گسترش نظارت‌های الکترونیکی و مردمی و...) که این وضعیت را می‌تواند کاهشی نماید به وضعیت مطلوب نزدیک‌تر نماید.

استناد دهی :شمسی زاد ، زهرا (۱٤۰۵). نگاهی به جرائم اقتصادی و مالی مردم عادی و افراد منتسب حکومتی صاحب نفوذ از برخورد ناعادلانه قضایی تا فرهنگ‌های خاص مجرمانه، **دو فصلنامه علمی پژوهشهای تطبیقی حقوق و علوم اجتماعی**، ۲(۱). ۷۷-۵۵

ناشر: انتشارات همیار طنین جاهد با همکاری انجمن جرم شناسی

مقدمه

مرتکب با ادعای داشتن اعتبار ونفوذ در نزد مأمور دولت یا مأمور به خدمات عمومی این گونه ادعا کند که وجه یا فایده مورد نظررا به منظور جلب موافقت مأمور اخذ نموده بایستی به او پرداخت کند. بنابراین تفاوت در این دواعمال نفوذ ساده و مشدده این است که در اعمال نفوذ ساده مرتکب چنین وانمود نمی‌کند که مبلغ یا فایده اخذ شده برای جلب موافقت مأمور می‌باشد و برای تحویل به مأمور دریافت نمی‌گردد. یکی از مصادیق و جلوه‌های عناوین مجرمانه در قوانین پراکنده و مستقل از قانون جزایی سال ۱۳۰٤ خورشیدی، جرم اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، می‌باشد. مقنن ایرانی به رغم تصویب قانون جزایی ۱۳۰٤ خورشیدی و پیش بینی عناوین مجرمانه از جمله کلاهبرداری، رشاء و ارتشاء و ...، ولی پس از گذشت یازده سال از تصویب قانون فوق الذکر، یعنی در سال ۱۳۱۵ خورشیدی جرم اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی را مورد تصویب قرارداد. بنابر این ادعا می‌بایستی جرم اعمال نفوذ، با قصد وعمد انجام گیرد. سوءنیت عام، در جرم اعمال نفوذ لازم است ولی برای تحقق عنصر روانی جرم، کافی نیست ومرتکب می‌بایستی در ازاء ادعای اعتبار و نفوذ در نزد مأمورین دولتی به قصد تحصیل وجه یا فایده با گرفتن وعده یا تعهدی را از دیگری برای خود و یا دیگری داشته باشد. (کوشا؛۱۳۹۱، صص ۱۵۹-۱۸۰)

عدالت قانونی باید توسط همه مردم در یک جامعه احساس شود و احساس اعتماد و اطمینان به قانون در جوامع به تثبیت و تقویت حکومت‌ها منجر می‌شود. با تاکید بر اینکه همه افراد در برابر قانون برابر هستند، هیچ تبعیضی میان اشخاص حقیقی و حقوقی در خصوص اجرای مقررات کیفری و غیر کیفری وجود ندارد و عدالت اقتضا می‌کند که همه افراد جامعه بدون هیچ‌گونه تبعیضی خود را در برابر اجرای قانون موظف و مسئول بدانند. نوعاً هیچ‌کس یا هیچ‌چیز نباید واسطه یا مانعی برای برخورد قانون با شخص خاصی شود به‌طوری‌که اگر کسی مرتکب جرم یا خطایی شود قانون باید فارغ از جایگاه اجتماعی او با فرد خاطی برخورد کند؛ مردم نباید تصور کنند که یک فرد به دلیل برخورداری از یک جایگاه خاص یا بهره‌مندی از یک امتیاز ویژه از اعمال قانون مصون و محفوظ است. تبعیض قضایی میان افراد غیرعادلانه و نامطلوب است.

در خصوص تبعات برخورد تبعیض‌آمیز و سلیقه‌ای قانون با افراد خاطی باید گفت: وجود احتمالی چنین رفتارهایی نه‌تنها در درازمدت اقتدار قانون را زیر سؤال می‌برد، بلکه اعتماد افراد به قانون را نیز از بین خواهد برد و در نهایت افراد پس از مدتی به دلیل فقدان اعتبار قانونی اجازه نقد آزاد بعضاً غیرکارشناسی شده قوانین را به خود خواهند داد. (isna.ir/xb8gL4) در این مقاله با نگاهی توصیفی تحلیلی در پی یافتن پاسخی برای این سؤال هستیم وجود خرده فرهنگ‌های مجرمانه جرائم اقتصادی و مالی در افراد صاحب نفوذ سیاسی در برخورد با دستگاه عدالت کیفری چگونه قابل بحث و تبیین است؟

به نظر می‌رسد وجود فرهنگ‌های مجرمانه در قالب مصونیت‌های خاص سیاسی باعث می‌شود که افراد صاحب نفوذ سیاسی براحتی جرائم اقتصادی و مالی را مرتکب شوند و همین در کوتاه مدت باعث بی اعتماد به حاکمیت و نظام سیاسی می‌شود.

۱. مبانی نظری

یکی از رویکردهایی در این بخش شاهد آن هستیم افراد و مدیران نالایقی هستند که باعث می‌شوند با تصمیم گیری های اشتباه جامعه را بدین سمت و سو می‌برند. مثلایک پیشنهاد تأسف بار، که توسط بسیاری از مطالعات تحقیقاتی تأیید شده است، این است که تصمیم گیری انسانی به طور کلی و مدیریت حس و تصمیم گیری به طور خاص ناقص است علاوه بر این، چندین محقق در مدیریت ادعا می‌کنند که روش‌های آموزشی با استفاده از پارادایم‌های مدیریتی مختلف باعث افزایش بی‌کفایتی در تفکر و تصمیم‌گیری توسط مدیران اجرایی می‌شوند وودساید (۲۰۱۲) بر این مشکل تأکید می‌کند، «آموزش‌هایی که منجر به نتایج غیرمنتظره می‌شود، می‌تواند هزینه‌های فرصت قابل‌توجهی را نشان دهد». برای اینکه مدارس مدیریت اعطای مدرک همچنان با عملکرد مدیریت مرتبط باقی بمانند، آن‌ها باید به خواسته‌های کارفرمایان پاسخ دهند تا فارغ التحصیلانی با توانایی استفاده از دانش مدیریت مرتبط و تصمیم گیری شایسته ارائه کنند. با توجه به پیچیدگی بازار و تقاضای کارفرمایان برای ارائه مدیران فارغ التحصیل که قادر به مقابله با پیچیدگی‌های ذاتی در زمینه‌های زندگی واقعی هستند، به طور مداوم باید برنامه‌ها را مهندسی مجدد کنند. (Woodside et al,2016:p1)

اینجاست که می‌توان به تئوری یا اصل پیر رسید؛ اصل پیتر بر این ایده متناقض استوار است که کارمندان شایسته به ارتقاء ادامه می‌دهند، اما در مقطعی به سمت‌هایی ارتقا می‌یابند که برای آنها بی‌کفایت هستند، و سپس در آن موقعیت‌ها باقی می‌مانند، زیرا این واقعیت را ندارند. هر گونه شایستگی بیشتری را نشان دهند که آنها را برای ارتقای بیشتر به رسمیت بشناسد. طبق اصل پیتر، هر موقعیت در یک سلسله مراتب معین در نهایت توسط کارمندانی پر می‌شود که برای انجام وظایف شغلی پست مربوطه خود ناتوان هستند. سوالی که پیش می‌آید این است که آیا تا به حال توجه کرده‌اید که به نظر می‌رسد برخی از افراد توانایی‌های خود را دست کم می‌گیرند در حالی که برخی دیگر آنها را دست کم می‌گیرند؟ این به عنوان اثر دانینگ–کروگر شناخته می‌شود و به تمایل افرادی که در یک زمینه خاص مهارت یا دانش کمتری دارند، اشاره دارد که شایستگی خود را بیش از حد برآورد می‌کنند، در حالی که افراد ماهرتر تمایل دارند که شایستگی خود را دست کم بگیرند. این تأثیر برای اولین بار در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۹ توسط روانشناسان دیوید دانینگ و جاستین کروگر توصیف شد، آن‌ها دریافتند افرادی که در آزمون طنز، دستور زبان یا منطق در پایین‌ترین ربع نمره می‌گیرند، تمایل دارند عملکرد خود را در این آزمون بیش از حد ارزیابی کنند، در حالی که افرادی که نمره می‌دهند.

در چارک بالا تمایل به دست کم گرفتن عملکرد خود داشتند. این به این دلیل اتفاق می افتد که افرادی که مهارت یا دانش کمتری دارند، اغلب فاقد صلاحیت تشخیص بی کفایتی خود هستند. آن‌ها ممکن است دانش یا تخصص لازم را نداشته باشند که متوجه شوند اشتباه می‌کنند یا اطلاعات مهمی را از دست می‌دهند. در این میان، کسانی که مهارت بیشتری دارند، ممکن است درک دقیق‌تری از محدودیت‌های خود داشته باشند و از شکاف‌های دانش خود بیشتر آگاه باشند. اثر دانینگ-کروگر در بسیاری از زمینه‌های زندگی از جمله آموزش، سیاست و حتی روابط شخصی تأثیر دارد. مهم است که از تأثیر آن آگاه باشیم و برای درک دقیق‌تری از توانایی‌ها و محدودیت‌های خود تلاش کنیم. تنها در این صورت است که می‌توانیم برای پیشرفت و رسیدن به پتانسیل کامل خود تلاش کنیم. (Mandhar,2023) اینجاست که به نظریه بی کفایتی در روانشناسی می‌رسیم که دارای وِیژگیهای خاص خود است. این ویژگی‌ها عبارتند از اقتدارگرایی، بخش‌های اجتماعی باریک در طبقه افسران، تبعیت از سنت، و تأکید بر مردانگی، که منجر به رواج شخصیت‌های مستبدی می‌شود که ممکن است فاقد شجاعت اخلاقی باشند. دیکسون استدلال می‌کند که ساختار سازمان‌های نظامی می‌تواند به طور ناخواسته افرادی را که برای نقش‌های رهبری مناسب نیستند، ارتقا داده و به آنها پاداش دهد و چرخه‌ای از بی‌کفایتی را تداوم بخشد. آثار این بخش علیرغم برخی نظریه‌های روان‌شناسی قدیمی، بیش از ۴۰ سال است ولی متنی ارزشمند در مطالعات رهبری باقی مانده است.[1]

۲. مفاهیم راهبردی

الف): افراد صاحب نفوذ حکومتی

نفوذ سیاسی را می‌توان به طرق مختلفی تعریف کرد که جنبه‌های مختلف قدرت و اقناع را در حوزه سیاسی در بر می‌گیرد. این به عمل اعمال قدرت برای تأثیرگذاری بر یک نتیجه اشاره دارد، که می‌تواند به روش‌های غیر تهاجمی یا از طریق اقدامات تهاجمی انجام شود که به افراد دارای اختیار قانونی برای دستیابی به نتایج مطلوب تحمیل می‌شود. علاوه بر این، نفوذ سیاسی شامل فرآیندی است که طی آن افراد ایده‌های خود را بر اساس ایده‌های دیگران تغییر می‌دهند، که برای ایجاد توافق سیاسی بین شهروندان در وضع موجود بسیار مهم است. «نفوذ سیاسی» و «دخالت سیاسی» برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارند، بنابراین توضیح معنای این اصطلاحات برای اهداف این مقاله مفید است. منفعل‌ترین این سه اصطلاح «ملاحظات سیاسی» است زیرا به ارزیابی مشروع و مناسب از سیاست‌ها و اصول بازیگران متأثر از نتیجه دلالت دارد.

[1] . See: On the Psychology of Military Incompetence: Dixon ،Norman F: 9780465097807: Amazon.com: Books. (n.d.). https://www.amazon.com/Psychology-Military-Incompetence-Norman-Dixon/dp/0465097804)

در حالی که «نفوذ سیاسی» نشان‌دهنده یک اقدام مداخله‌جویانه‌تر، اما نه لزوماً تهاجمی‌تر برای اعمال قدرت در تلاش برای تأثیرگذاری بر نتیجه است.از سوی دیگر، اصطلاح «مداخله سیاسی» بیانگر اقدامی تهاجمی است که ممکن است نامشروع باشد، با تحمیل بر افرادی که دارای اختیارات قانونی برای اعمال قدرت قضایی هستند به نحوی که اغلب بدون توجه به ماهیت پرونده، به نتایج مورد نظر خود دست یابند. (Niemann:2018) به عنوان مثال در زمینه سیاست آمریکا، این عقیده گسترده وجود دارد که کمک کنندگان مالی عمده سیاسی و منافع خاص دارای نفوذ بیش از حد هستند که منجر به نگرانی در مورد فساد و تأثیر پول بر سیاست می‌شود. آمریکایی‌ها رأی دادن را راهی حیاتی برای شهروندان عادی می‌دانند که بر مسیر کشور تأثیر می‌گذارند، اما این دیدگاه رایج وجود دارد که مقدار زیادی پول در سیاست وجود دارد. سهم بزرگی از آمریکایی‌ها بر این باورند که کمک‌کنندگان اصلی، لابی‌ها و منافع خاص تأثیر زیادی بر تصمیم‌های اتخاذ شده توسط اعضای کنگره دارند و این امر نگرانی‌ها در مورد نقش پول در شکل‌دهی به نتایج سیاسی را برجسته می‌کند. (Nadeem:2023)

نفوذ سیاسی و قدرت سیاسی مفاهیم مرتبط در حوزه سیاست هستند، اما معانی متمایزی دارند. نفوذ سیاسی به عمل اعمال قدرت در تلاش برای تأثیرگذاری بر یک نتیجه، بدون اینکه لزوماً تهاجمی باشد، اشاره دارد. این می‌تواند شامل اعمال قدرت به شیوه‌ای غیرتهاجمی برای تأثیرگذاری بر نتیجه باشد، یا می‌تواند شامل اعمال تهاجمی باشد که برای دستیابی به نتایج دلخواه به افرادی که دارای اختیار قانونی هستند تحمیل می‌شود، اغلب با نادیده گرفتن ماهیت پرونده. نفوذ سیاسی همچنین می‌تواند به فرآیندی اشاره داشته باشد که طی آن مردم ایده‌های خود را بر اساس ایده‌های دیگران تغییر می‌دهند که برای ایجاد توافق سیاسی بین شهروندان بسیار مهم است.(Ibid)

از سوی دیگر، قدرت سیاسی به کنترل افراد و منابع برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها، کارکردها و فرهنگ از جمله قدرت نظامی اشاره دارد. توانایی متقاعد کردن دیگران به درست، مناسب و معتبر بودن یک قضاوت یا نظر است. قدرت سیاسی اغلب با قدرت نظامی همراه است، اما آنها یک چیز نیستند. قدرت سیاسی را می‌توان از طریق اشتراک گذاری فرهنگ‌ها، خروجی‌های رسانه‌ای و سرمایه گذاری‌های اقتصادی نیز به دست آورد نفوذ سیاسی عمل اعمال قدرت برای تأثیرگذاری بر یک نتیجه است، در حالی که قدرت سیاسی کنترل افراد و منابع برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها، عملکردها و فرهنگ است. قدرت سیاسی را می‌توان شر یا ناعادلانه دانست، اما همچنین می‌تواند به عنوان یک چیز خوب و به عنوان چیزی به ارث رسیده یا داده شده برای اعمال اهداف انسانی که به دیگران کمک می‌کند، حرکت می‌دهد و قدرت می‌بخشد.

(Political Power: Definition & Influence | StudySmarter.n.d)

ب): جرائم مالی و اقتصادی

جرائم مالی و اقتصادی طیف وسیعی از فعالیت‌های غیرقانونی را در بر می‌گیرد که منجر به خسارات مالی و خسارت به اقتصادها و مؤسسات می‌شود. این جرائم شامل کلاهبرداری، فرار مالیاتی، پولشویی، فساد مالی و غیره است. آن‌ها اغلب خشونت آمیز نیستند، اما تأثیرات قابل توجهی بر جامعه دارند، مانند تضعیف توسعه اقتصادی، انحراف در بازارهای مالی، و مانع از سرمایه گذاری خارجی. ظهور فناوری فرصت‌های جدیدی را برای گروه‌های جنایتکار پیچیده فراهم کرده است تا این جنایات را در سطح جهانی انجام دهند، و پولشویی یک شکل رایج است. کشورهایی که مقررات ضعیفی دارند به ویژه در برابر این فعالیت‌ها آسیب پذیر هستند. برای مبارزه با جرائم مالی، همکاری بین المللی و ایجاد یک رویکرد مشترک جهانی بسیار مهم است.

تلاش برای پیشگیری و کنترل جرائم اقتصادی و مالی شامل ایجاد یک چارچوب بین‌المللی قوی، استانداردسازی تعاریف قانونی، افزایش قابلیت‌های اجرای قانون و ارائه کمک‌های فنی به کشورها است. این جنایات تهدیدی جدی در درازمدت برای توسعه پایدار است و نیازمند اقدامات مؤثر برای تضمین ثبات اقتصادی و نهادسازی است. ایالات متحده قانون اقدامات فساد خارجی را در سال ۱۹۷۷ برای رسیدگی به رشوه دادن به مقامات خارجی معرفی کرد. این قانون تا حدود سال ۲۰۱۰ بر اجرای بین المللی مبارزه با فساد حاکم بود، زمانی که سایر کشورها شروع به معرفی قوانین گسترده‌تر و قوی‌تر، به ویژه قانون رشوه خواری بریتانیا در سال ۲۰۱۰ کردند (Kocoras:2010)

سازمان بین المللی استاندارد در سال ۲۰۱۶ یک استاندارد بین المللی سیستم مدیریت ضد رشوه را معرفی کرد. در سال‌های اخیر، همکاری در اقدامات اجرایی بین کشورها افزایش یافته است. جرائم اقتصادی طیف وسیعی از جرائم از جمله کلاهبرداری و کلاهبرداری، پولشویی، فساد اداری، جرائم مالکیت معنوی و جرائم زیست محیطی را شامل می‌شود. تحقیقات جنایی که در درجه اول با برخی از انواع دیگر جرم مانند قاچاق مواد مخدر، فعالیت‌های تروریستی یا قاچاق انسان (THB) مقابله می‌کند، معمولاً شامل جرائم اقتصادی مانند پولشویی نیز می‌شود. جرائم اقتصادی اغلب دارای یک عنصر فرامرزی هستند: مجرمان دارایی‌های خود را به کشورهای دیگر منتقل می‌کنند تا از دستورات توقیف یا مصادره جلوگیری کنند. همکاری با یکدیگر برای ردیابی، توقیف و مصادره دارایی‌هایی که با نقض قانون به دست آمده‌اند. این جنایات می‌توانند بر ثبات بازارهای مالی تأثیر بگذارند، اعتماد سرمایه‌گذاران را تضعیف کنند، و سرمایه‌گذاری در کشورها یا مشاغل با ریسک بالای جرائم مالی را متوقف کنند و منجر به کاهش رشد اقتصادی و رقابت شوند. جرائم مالی با تضعیف تلاش‌ها برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار، کاهش فقر، ارتقای رشد اقتصادی و مبارزه با فساد، پیامدهایی برای توسعه اقتصاد جهانی دارد. قربانیان جرائم مالی زیان‌های مالی مستقیمی را تجربه می‌کنند.

جرائم مالی نه تنها منجر به زیان‌های مالی مستقیم می‌شود، بلکه پیامدهای گسترده‌ای بر درآمدهای دولت، اعتماد سرمایه‌گذاران، توسعه اقتصادی و ثبات کلی سیستم‌های مالی دارد که بر افراد، مشاغل و جامعه در کل تأثیر می‌گذارد. (Omkar,2023)

۳.مصونیت نانوشته افراد منتسب در نظام سیاسی

مصونیت قانونی و قضایی یک دکترین حقوقی است که از قضات و سایر بازیگران قضایی مانند کارمندان و ضابطان، از مسئولیت اعمال قضایی انجام شده در محدوده اختیارات قضایی آنها، صرف نظر از اینکه این عمل چقدر اشتباه یا انگیزه شیطانی داشته باشد، محافظت می‌کند. این مصونیت برای اطمینان از این اعطا می‌شود که قضات بتوانند وظایف خود را با استقلال و بدون ترس از عواقب انجام دهند، که هم به نفع قضات منفرد و هم به نفع مردم است که منافع آنها این است که قضات باید آزادانه وظایف خود را با استقلال و بدون ترس از انجام دهند. (Baude & Review,2022)

اگر بخواهیم به نمونه‌ای تاریخی اشاره کنیم در ایالات متحده، در سال ۱۸۷۱، در مورد مصونیت قضایی از ایالتی به ایالت دیگر، تنوع قابل توجهی وجود داشت، و حتی دیوان عالی نیز اظهارات مشکوکی در مورد وضعیت مصونیت قضایی این کشور ارائه کرده است . برخی خواص ممکن است هم ثروت و هم قدرت فراوان داشته باشند و ممکن است با حسادت از قدرت، امتیازات و ثروت خود محافظت کنند. در برخی موارد، خواص ممکن است در زمینه‌های خاصی که به حیاتی‌ترین منافع آنها مربوط می‌شود، مماشات شوند، مانند مصونیت از تعقیب کیفری برای جنایات گذشته یا سهمی از سیاست‌گذاری آینده احتمالاً دارند. این سازش‌ها را می‌توان تلاشی برای گنجاندن این سازش‌ها در شالوده‌ی نظم قانون اساسی دموکراتیک جدید دانست که امکان می‌دهد تغییر در امنیت نسبی و بدون ترس از ضدانقلاب رخ دهد.

با این حال، اگر این سازش‌ها برای منافع شخصی بیش از حد سخاوتمندانه باشد، می‌تواند اثربخشی و کیفیت نظم قانون اساسی دموکراتیک را تضعیف کند. ممکن است خواص در زمینه‌های خاصی که به حیاتی‌ترین منافع آنها مربوط می‌شود، مماشات شوند، اما این سازش‌ها باید به دقت متعادل شوند تا از اثربخشی و کیفیت نظم قانون اساسی دموکراتیک اطمینان حاصل شود. می‌توان مدعی شد اصل مصونیت برای سیاستمداران بر این مفهوم استوار است که آنها باید از اتهامات ناعادلانه محافظت شوند، به ویژه در زمینه آزادی بیان در قانونگذار و... است. اصل عدم مسئولیت در سراسر جهان به رسمیت شناخته شده است و در اصل بر این تصور است که سیاستمداران باید از اتهامات ناعادلانه محافظت شوند. با این حال، با افزایش ناامیدی در سراسر جهان از رشوه خواری سیاسی، فساد، و رسوایی‌های تضاد منافع، ناامیدی نیز از این واقعیت وجود دارد که سیاستمداران مظنون اغلب می‌توانند از مصونیت واقعی در برابر چنین جنایاتی برخوردار شوند.

در نظرسنجی اخیر که توسط گالوپ اینترنشنال انجام شده است، ٦٣ درصد از پاسخ دهندگان، مصونیت مقامات دولتی از تعقیب قضایی را عامل اصلی افزایش فساد در کشور خود می‌دانند. امروزه دامنه مصونیت سیاسی را می‌توان فراتر از آنچه در نظر گرفته شده است گسترش داد و در چنین مواردی، سیاستمداران از مصونیت عملی در برابر جرائم جدی برخوردارند. در بسیاری از کشورها، مقامات ارشد دولتی به حدی مصونیت دارند که مجرمان اغلب به دنبال مناصب دولتی صرفاً برای اجتناب از پیگرد قانونی هستند. در چنین مواردی، خطر بسیار بالایی برای چرخه معیوب فساد وجود دارد. پارلمان به دلیل حمایت ممتاز خود، افراد غیراخلاقی را جذب می‌کند که سپس رفتارهای فاسد را تداوم و تقویت می‌کنند.

مصونیت‌های مقامات دولتی بر اساس قوانین بین‌الملل، کامل‌ترین سطح حمایت را برای مقامات دولتی خارجی فراهم می‌کند. به مقامات عالی رتبه دولتی، از جمله دیپلمات‌ها، کارکنان سازمان ملل متحد، نمایندگان پارلمان، اعضای دولت، و سران کشورها یا دولت‌ها وابسته است. با این حال، مصونیت هرگز مطلق نیست و عموماً محدود به اعمالی است که در انجام وظایف رسمی، در طول زمانی که شخص آن سمت رسمی را به عهده دارد، انجام می‌شود. در خصوص این مصونیت‌ها در اکثر شرایط، بحث در مورد اینکه تا چه حد استحقاق مصونیت گسترش می‌یابد و آیا استثنائاتی برای آن وجود دارد. (Zabyelina:2023:p23)

مثلاً در ایالات متحده، مصونیت مطلق نوعی مصونیت حاکمیتی برای مقامات دولتی است که مصونیت کامل را از تعقیب کیفری، به ویژه مصونیت دادستانی اعطا می‌کند. مصونیت مطلق با مصونیت واجد شرایط در تضاد است، که گاهی اوقات زمانی اعمال می‌شود که برخی مقامات ممکن است حقوق اساسی یا قوانین فدرال را نقض کرده باشند. نتیجتاً در حالی که مصونیت برای شخصیت‌های سیاسی برای محافظت از آنها در برابر اتهامات ناعادلانه در نظر گرفته شده است، دامنه این مصونیت می‌تواند بیش از آنچه در نظر گرفته شده است گسترش یابد و منجر به مصونیت واقعی از جنایات جدی شود. بحث در مورد میزان این مصونیت‌ها به شدت دو قطبی است و برخی معتقدند که این مصونیت‌ها از آزادی بیان در قوه مقننه محافظت می‌کند، در حالی که برخی دیگر معتقدند که پایه‌های دموکراسی برابری در برابر قانون را تضعیف می‌کند. مصونیت‌های مقامات دولتی بر اساس قوانین بین‌الملل، کامل‌ترین سطح حمایت را برای مقامات دولتی خارجی فراهم می‌کند، اما مصونیت هرگز مطلق نیست و عموماً محدود به اعمالی می‌شود که در انجام وظایف رسمی، در طول زمانی که شخص آن سمت رسمی را بر عهده دارد، انجام شود. دیوان کیفری بین‌المللی مقررات خاصی دارد که مصونیت صلاحیتی را برای دولت و مأموران آن در رابطه با پیگرد قانونی در دادگاه‌های خارجی مجاز نمی‌داند. البته برخی از این مصونیت‌ها در حوزه حقوق سیاسی نوعاً مرسوم است، آن هم مصونیتی است که به افرادی اعطا می‌شود که وظایف خاصی را انجام می‌دهند.

این مصونیتی است که به برخی از مقامات به دلیل سمتی که دارند و نه در رابطه با عملی که مرتکب شده‌اند، اعطا می‌شود. مصونیت کارکردی از حقوق بین الملل عرفی و حقوق معاهدات ناشی می‌شود، به ادبیات دیگر در حقوق بین الملل عادی به رسمیت شناخته شده است. (Van Alebeek,2008:p158)

۴.تأثیر نظام سیاسی بر رعایت مساوات با انواع مجرمین

جرم اغلب به عنوان یک موضوع اجتماعی و اخلاقی با توضیحاتی از ویژگی‌های فردی مانند عدم کنترل تکانه یا تربیت ضعیف تا عوامل اجتماعی بزرگتر مانند فقر و نابرابری در نظر گرفته می‌شود. با این حال، یکی از جنبه‌های جرم که اغلب نادیده گرفته می‌شود، ارتباط آن با سیاست است. جرم را می‌توان به عنوان یک پدیده سیاسی متأثر از سیاست‌ها و ساختارهای قدرت و با پتانسیل شکل گیری و شکل گیری رویدادهای سیاسی دانست. تأثیر سیاست بر جرم و جنایت در همه سطوح از محلی گرفته تا ملی و حتی بین المللی قابل مشاهده است. در سطح محلی، سیاست می‌تواند نحوه عملکرد مجریان قانون و تعقیب جرائم را شکل دهد. در برخی موارد، فساد سیاسی می‌تواند منجر به شکست در اجرای قانون و افزایش فعالیت‌های مجرمانه شود. علاوه بر این، سیاست‌هایی مانند حداقل مجازات اجباری و سه قانون اعتصاب نشان داده شده است که به طور نامتناسبی بر جوامع به حاشیه رانده شده تأثیر می‌گذارد و به زندانی شدن دسته جمعی کمک می‌کند. در سطح ملی، سیاست می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر میزان جرم و جنایت داشته باشد. سیاست همچنین می‌تواند نحوه درک و رسیدگی به جرائم توسط جامعه را شکل دهد. یکی از نمونه‌ها روشی است که با تروریسم اغلب به عنوان یک موضوع سیاسی و نه صرفاً جنایی برخورد می‌شود. این می‌تواند منجر به تمرکز بر پیشگیری و پاسخ به تروریسم از طریق ابزارهای نظامی یا دیپلماتیک و نه از طریق کانال‌های سنتی اجرای قانون شود. (Yadav:2023:p20)

رابطه نظام سیاسی و برابری با انواع جنایتکاران چندبخشی است. نظام سیاسی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر نحوه رفتار با مجرمان و سطح برابری آنها در نظام عدالت کیفری داشته باشد. یکی از عوامل کلیدی سطح سیاسی شدن سیاست‌های عدالت کیفری است. همانطور که نیکولا لیسی در مقاله خود با عنوان "عدالت کیفری و سیستم‌های دموکراتیک" اشاره می‌کند، سیستم عدالت کیفری در دهه‌های اخیر هم در بریتانیا و هم در ایالات متحده به طور فزاینده‌ای سیاسی شده است که منجر به تمرکز بر مجازات و کنترل به جای بازپروری و ادغام مجدد شده است. سیاست جنایت و عدالت کیفری در ایالات متحده نیز با استفاده از جرم در بحث‌های سیاسی شکل گرفته است. همانطور که مقاله "سیاست جرم و عدالت کیفری" اشاره می‌کند، تعارض بر سر آنچه که در مورد جرم و جنایت و ماهیت مشکل جرم باید انجام شود به وجود می‌آید. به طور سنتی، لیبرال‌ها بر نگرانی‌های مربوط به روند دادرسی و حقوق متهمان تمرکز می‌کردند.

در حالی که محافظه کاران بر کنترل جرم تاکید داشتند. با این حال، استفاده روزافزون از لفاظی «قانون و نظم» در مبارزات سیاسی منجر به تمرکز بر مجازات و تضعیف حساسیت‌های سیاسی نسبت به حقوق بشر و شرایط مناسب برای زندانیان شده است. تأثیر سیاست‌های سیاسی، جنایت و پول بر سیستم عدالت کیفری در ایالات متحده نیز قابل توجه است. همانطور که مایکل لنزا و ریچارد جونز در مقاله خود با عنوان "تأثیر سیاست‌های سیاسی، جنایت و پول بر سیستم عدالت کیفری در ایالات متحده" خاطرنشان کردند، مدل ناتوانی کنترل جرم فرض می‌کند که در حالی که مجرمان در زندان هستند، نمی‌توانند درگیر شوند. (Lenza:2010:p1)

از نظر برابری، نظام عدالت کیفری در طول تاریخ با موضوعات نژاد، طبقه و قومیت شکل گرفته است. همانطور که لنزا و جونز اشاره می‌کنند، تلاقی نژاد، پول و سیاست در ایالات متحده تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌های مواد مخدر و جرم داشته است، به طوری که جوامع اقلیت به طور نامتناسبی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. نظام سیاسی تأثیر بسزایی بر برابری در نظام عدالت کیفری دارد. سیاسی شدن روزافزون سیاست‌های عدالت کیفری، استفاده از لفاظی‌های «قانون و نظم» در مبارزات سیاسی، و تأثیرات سیاست‌های سیاسی، جنایت‌کاری و پول بر نظام عدالت کیفری، همگی به تمرکز بر مجازات و کنترل به جای بازپروری کمک کرده‌اند. و ادغام مجدد این امر منجر به تأثیر نامتناسب بر جوامع اقلیت و تضعیف حساسیت‌های سیاسی نسبت به حقوق بشر و شرایط مناسب برای زندانیان شده است. نتایج برخی از مطالعات نشان داده است: رابطه بین نابرابری، جرم و مجازات تحت تأثیر نظام‌های سیاسی است.

مطالعات بر نقش نظام‌های سیاسی در شکل دادن به پویایی بین جرم، مجازات و نابرابری تاکید می‌کنند. مقایسه بین کشورهایی با سیستم‌های مختلف سیاسی و سطوح توسعه اقتصادی، اهمیت درک چگونگی تأثیر مکانیسم‌های اقتصاد سیاسی بر نابرابری و نرخ جرم را نشان می‌دهد. مثلاً در آمریکای لاتین، نابرابری با خشونت جنایی، سیاسی و اجتماعی مرتبط است. فقدان رشد فراگیر، تحرک اجتماعی و نابرابری‌های مداوم به خشونت کمک می‌کند و بر بهره وری و رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. شیوع خشونت تخصیص منابع را مخدوش می‌کند، نابرابری را تداوم می‌بخشد و مانع توسعه اقتصادی می‌شود.

یا اینکه سیاست‌های سیاسی تأثیر قابل توجهی بر سیستم عدالت کیفری در ایالات متحده دارد. گسترش اصلاحات، تغییر در میزان جرم و جنایت و تمرکز بر مجازات بر بازپروری تحت تأثیر تصمیمات سیاسی است. رابطه بین پول، جرم و جنایت و سیاست‌های سیاسی به گسترش اصلاحات در سیستم عدالت کیفری منجر شده است. (Schwuchow,2023Lp469) به عنوان مثال جرم سیاسی که توسط سیاست‌های جنایی، امنیت و آزادی‌های مدنی اداره می‌شود، چالش‌هایی را برای نظام‌های حقوقی ایجاد می‌کند. ماهیت جرم سیاسی با مدل‌های سیاست جنایی، امنیت گرایی، فعالیت‌های سیاسی و آزادی‌های مدنی در هم آمیخته است.

برخورد با جرم سیاسی در نظام‌های کیفری نشان دهنده سطح آزادی و دموکراسی در کشورهای مختلف است. نتیجتاً تأثیر نظام سیاسی بر نابرابری مجرمان در نحوه شکل‌دهی سیاست‌های سیاسی به نرخ جرم، استراتژی‌های مجازات، نابرابری‌های اقتصادی، و شیوع جرائم سازمان‌یافته و فساد مشهود است. درک این روابط پیچیده برای پرداختن به مسائل نابرابری در سیستم عدالت کیفری و جامعه به عنوان یک کل بسیار مهم است. با توجه به حساسیت‌هایی که در خصوص (حتی) تعریف جرم سیاسی و تفکیک آن با دیگر جرائم امنیتی وجود دارد.

عملاً تعیین مصادیق جرم سیاسی و... یکی از مباحثی بوده است که از دیرباز محل نزاع تئوریک بوده است، با توجه به رویکردهای تأویل گرایی که در علوم انسانی تعریف‌شده است؛ در برخی از مواقع باید ارجاع بازخوانش و فهمیدن و حتی تفکیک را به مخاطب سپرد، این امر از لحاظ کاربردی می‌تواند ما را به‌سوی این نکته رهنمون سازد؛ که تعریف ضابطه‌های دقیق، مصادیق شفاف و حتی آیین دادرسی خاص برای این نوع از مجرمین این جرائم با رعایت مسائلی همچون حضور هیئت‌منصفه و امثالهم لازم و ضروری بوده درنتیجه باعث می‌شود دستگاه عدالت کیفری در رسیدگی قضایی بدین جرائم بر اساس معیارهای اصلی حقوقی همانند (عدالت، انصاف، وجدان قضایی، اصول دادرسی منصفانه و...) رفتار سیاسی حاکمیت‌ها منطبق با قوانین بین المللی تطابقت بیشتری دارد، دقت نمایند. (موسوی فرد و دیگران:۱٤۰۱، ص ۲۳٤۷)

۵. تاکید بر تاثیرات نفوذ سیاسی بر عدم رعایت قانون

اثرات نفوذ سیاسی بر عدم انطباق می‌تواند به طور قابل توجهی بر اساس عوامل مختلف متفاوت باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که باورهای سیاسی می‌تواند بر تبعیت از دستورات دولتی تأثیر بگذارد، به طوری که دموکرات‌ها در مقایسه با جمهوری‌خواهان بیشتر به برخی از دستورات پایبند هستند. علاوه بر این، مثلاً ارتباط سیاسی مالیات دهندگان می‌تواند بر رعایت قوانین مالیاتی تأثیر منفی بگذارد، بر تلاش‌های درآمدزایی تأثیر بگذارد و به طور بالقوه منجر به فرار و اجتناب مالیاتی شود. (Painter & Qiu,2021:p185)

نفوذ سیاسی می‌تواند منجر به تصویب قوانین مالیاتی شود که به نفع شرکت‌ها یا افراد مرتبط است و بر تبعیت مالیاتی تأثیر می‌گذارد و رویه‌های اقتصادی را مخدوش می‌کند. درک نقش نفوذ سیاسی در عدم انطباق بسیار مهم است زیرا می‌تواند رفتار را در طول بحران‌های بهداشت عمومی شکل دهد و بر جمع آوری درآمد و ثبات اقتصادی تأثیر بگذارد. (Khwaja et al,2000:p10) مثلاً در تحقیقاتی که در کشور چنن انجام شده است چنین نتایجی بدست آمده است: اصلاحات حزب‌سازی در چین با رسمیت بخشیدن به نقش حزب کمونیست چین (ح‌ک‌پی) در منشور شرکت‌ها، با هدف تقویت کنترل حزب–دولت بر شرکت‌ها انجام می‌شود. ما اصلاحات را به عنوان یک شوک بیرونی برای بررسی اثر نفوذ سیاسی بر ارزش‌گذاری شرکت‌هاست.

در مجموع، نتایج ما با این فرضیه مطابقت دارد که اثر اصلاحات حزب‌سازی بر ارزش‌گذاری یک شرکت به مبادله بین منافع حاصل از افزایش تصرف دولت و هزینه‌های نفوذ دولت در حاکمیت شرکت و اینکه کنترل سیاسی افزایش یافته بستگی دارد. هزینه‌ها برای شرکت‌هایی با روابط سیاسی موجود قوی‌تر کاهش می‌یابد. (Chen et al,2023:p10).

در تحقیقات دیگری آمده است: برخی از رفتارهای ناسازگار ممکن است در واقع برای برقراری ارتباط بازخورد سیاست و انتقاد سازنده در مورد تناسب بین سیاست‌ها و شرایط محلی باشد. به منظور بهبود درک ما از این پدیده‌ها، این مقاله مفهوم "عدم انطباق سازنده" را توسعه می‌دهد، آن را در یک گونه شناسی کنش سیاسی قرار می‌دهد و آن را به صورت تجربی با استفاده از داده‌های کیفی و کمی اصلی از مورد روستایی چین نشان می‌دهد. با تمایز عدم انطباق سازنده از سایر اشکال مقاومت، این مقاله نشان می‌دهد که همه اشکال عدم انطباق نشان‌دهنده مشروعیت یا ظرفیت پایین دولت نیست و شالوده‌ای را برای بررسی اینکه چگونه انواع مختلف کنش‌های سیاسی ممکن است بر شکل‌گیری سیاست، استفاده دولت از اجبار و نگرش‌های سیاسی تأثیر بگذارد، ایجاد می‌کند. (Tsai:2015:p253)

در برخی از تحقیقات منعکس شده است مشاهده شده افراد حقیقی و حقوقی می‌خواهند از طریق (i) رشوه دادن به بازرسان محلی، و (ii) با لابی کردن سیاستمداران سطح بالای دولتی برای مقاومت در برابر اصلاحات قانونی طراحی شده برای بهبود کارایی قضایی (حاکمیت قانون) و حذف فساد، از مقررات فرار کند. ما نشان می‌دهیم که در برخی موارد بی ثباتی سیاسی این تمایلات را تقویت می‌کند. این تحلیل پیش‌بینی می‌کند که در رژیم‌های بی‌ثبات سیاسی، نهادهای لازم برای نظارت و اجرای پایبندی ضعیف هستند. بنابراین در چنین کشورهایی، فساد فراگیرتر است و رعایت مقررات کم است. بنابراین، تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر فساد مستقیم نیست، بلکه به‌طور غیرمستقیم از طریق تأثیر آن بر میزان کارآمدی قضایی رخ می‌دهد. در نهایت، فساد سطح انطباق مقررات را کاهش می‌دهد. بنابراین، بی‌ثباتی سیاسی به‌طور غیرمستقیم از طریق کارآمدی قضایی و فساد، بر رعایت آن تأثیر می‌گذارد. (Fredriksson:2004:363)

۶. شکل گیری گروه‌های رانت خوار با انواع مصونیت

در ابتدا اصطلاح «رانت‌جویی» به افراد یا گروه‌هایی اطلاق می‌شود که اغلب با دریافت یارانه‌ها، تعرفه‌ها یا مقررات خاصی که به آنها مزیت‌های اقتصادی می‌دهد، از طریق عرصه سیاسی به دنبال منافعی برای خود هستند، بدون اینکه در تولید ثروت کلی مشارکت داشته باشند. این رفتار گاهی با فساد دولتی یا نفوذ ناروا از منافع خاص همراه است. رانت خواری می‌تواند با انحراف منابع به سمت تلاش‌های لابی به جای فعالیت‌های مولد، مانع رشد اقتصادی شود و منجر به ناکارآمدی و تخصیص نادرست منابع شود.

این مفهوم تأثیر منفی جستجوی امتیازات از طریق ابزارهای سیاسی به جای ایجاد ارزش واقعی را برجسته می‌کند. از لحاظ تئوریک بخواهیم به آن بنگریم اگرچه نظریه رانت خواری مطابق با پارادایم تئوری‌های تنظیم منفعت خصوصی (اقتصادی) است، اما اگر محقق بخواهد در مورد تأثیر رانت جویی قضاوت کند، نیاز به بینشی مبتنی بر نظریه‌های منفعت عمومی نیز دارد. ایجاد رانت سیاسی در رفاه اجتماعی به درستی است. این جستار همچنین مفهومی از رانت سیاسی است. اشکالی از سیستم‌های رانت جویی و اقتصادی را تشریح می‌کند که بیشترین سازگاری با آن را دارند. در اینکه رانت خواری هزینه‌های اجتماعی مختلفی را به همراه دارد و به طور کلی مقوله اقتصادی منفی است، بحثی نیست. با این حال، این تصور ایجاد می‌شود که نویسندگان مقالات یا کتاب‌های مختلف مرتبط با این مفهوم، پدیده‌های مختلفی را در ذهن دارند.

به نظر می‌رسد حداقل برخی از آنها اگر بیشتر به اصول خود در مورد قضاوت مقررات یا مداخله دولت در اقتصاد پایبند باشند، باید رویکرد منفی کمتری نسبت به آن داشته باشند. اگر رانت را از دیدگاه قدرت بنگریم منبع آن ممکن است قدرت انحصاری و همچنین حمایت گرایی باشد. هر چیزی که مانع رقابت شود، حتی گاهی اوقات خود مقررات، منبع رانت است. چنین درک گسترده‌ای از رانت باعث می‌شود که رانت بتواند خود را به طرق مختلف نشان دهد و در نتیجه طبقه بندی‌های مختلفی در ادبیات معاصر ظاهر شود. (Sękowski,2021:p11)

گروه‌های رانت خوار معمولاً از مکانیسم‌های قانونی یا سیاسی برای به دست آوردن مزیت‌ها بدون ایجاد ثروت بهره برداری می‌کنند. این گروه‌ها اغلب به دلیل خلأهای موجود در سیستم، عدم شفافیت و گاهی اوقات از طریق ارتباط با شخصیت‌های تأثیرگذار رشد می‌کنند. درهم تنیدگی رفتار رانت خواری با حمایت‌های قانونی، مانند مصونیت پارلمانی، می‌تواند چالش‌هایی را در مبارزه با فساد و تضمین پاسخگویی ایجاد کند. مثلاً مصونیت پارلمانی که نوعی حمایت قانونی برای قانونگذاران است، آن‌ها را در برابر عواقب قانونی در حین انجام وظایفشان مصون می‌دارد و به طور بالقوه سپر را برای کسانی که در فعالیت‌های رانت‌خواری دخیل هستند فراهم می‌کند. به طور بالقوه برای افرادی که در فعالیت‌های رانت‌خواری مشارکت دارند، سپری می‌کند. گروه‌های رانت‌خوار ممکن است از خلأهای قانونی، عدم نظارت و ارتباط با افراد قدرتمند برای ایجاد فعالیت‌های خود و فرار از پاسخگویی استفاده کنند. این امر تأثیرات منفی قابل توجهی بر جامعه و اقتصاد دارد. فعالیت‌های رانت‌خواری از طریق تخصیص نادرست منابع، کاهش تولید ثروت، از دست رفتن درآمد دولت، افزایش نابرابری درآمدی و خطر افزایش رشوه‌های سیاسی منجر به کاهش کارایی اقتصادی می‌شود. این رفتار منابع را به سمت فعالیت‌های غیرمولد مانند لابی‌گری به جای ایجاد ارزش واقعی منحرف می‌کند، که منجر به تخصیص نابهینه منابع و مانع رشد اقتصادی می‌شود. رانت جویی می‌تواند با ایجاد ضررهای قیمتی برای مصرف کنندگان یا شرکت‌ها، اعمال قیمت‌ها و موانع ناعادلانه، محدود کردن رقابت است.

و ایجاد موانع مصنوعی برای ورود شرکت‌های جدید، و سرکوب نوآوری، بازارها را کمتر کارآمد کند. رفتار رانت خواری بازارها را مخدوش می‌کند، به طور ناعادلانه به نفع برخی واحدها می‌شود و می‌تواند منجر به افول اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی شود. این امر بدتر شدن اقتصاد کل متأثر می‌شوند.
(Angelopoulos et al,2021: p1616)

۷.سلب اعتماد عمومی در حکمرانی تبعیض گونه قضایی

تردیدی وجود ندارد خط مقدم مبارزه با تخلفات و جرائم در هر نظام سیاسی و حکومتی قوه قضایی و دادگستری آن است اگر در این نهاد شاهد برخوردهای ناعادلانه در عین حال تبعیض گونه باشیم علاوه بر اینکه سرخوردگی اجتماعی را به دنبال خواهد داشت بلکه در بلندمدت باعث سلب اعتماد عمومی شده و نظام سیاسی و امنیتی باید بخشی از هزینه‌های آنرا پرداخت کند. علل از بین رفتن اعتماد عمومی به حاکمیت تبعیض قضایی را می‌توان به عوامل متعددی نسبت داد مثلاً:

- رسوایی‌های سیاسی و فساد: رسوایی‌های مربوط به مقامات دولتی و مصادیق فساد می‌تواند اعتماد به دولت و نهادهای آن از جمله قوه قضاییه را از بین ببرد. این می‌تواند منجر به این تصور شود که این سیستم منصفانه و عادلانه نیست و گروه‌های خاصی را بر دیگران ترجیح می‌دهد.
- **بی ثباتی اقتصادی**: رکود اقتصادی و بحران‌های مالی نیز می‌تواند به از بین رفتن اعتماد عمومی به دولت کمک کند. زمانی که مردم با مشکلات اقتصادی مواجه می‌شوند، ممکن است اثربخشی و عادلانه بودن سیاست‌ها و نهادهای دولتی از جمله قوه قضاییه را زیر سؤال ببرند.
- **پوشش رسانه‌ای و انتشار اطلاعات**: رسانه‌ها می‌توانند نقش بسزایی در شکل دادن به برداشت عمومی از دولت و نهادهای آن داشته باشند. پوشش منفی قوه قضائیه یا گزارش‌های مربوط به قضاوت‌های مغرضانه یا ناعادلانه می‌تواند به از بین رفتن اعتماد به سیستم کمک کند.
- **عملکرد دولت**: عملکرد دولت و نهادهای آن نیز می‌تواند بر اعتماد عمومی تأثیر بگذارد. اگر مردم احساس کنند که دولت به وعده‌های خود عمل نمی‌کند یا به طور مؤثر به نگرانی‌های آنها رسیدگی نمی‌کند، ممکن است اعتماد خود را به توانایی خود برای حکومت عادلانه و مؤثر از دست بدهند.
- **فقدان شفافیت و پاسخگویی**: فقدان شفافیت و پاسخگویی در فرآیندها و تصمیم گیری‌های دولتی نیز می‌تواند به از بین رفتن اعتماد عمومی کمک کند. اگر مردم احساس کنند که دولت در مورد اقدامات خود صادق نیست، ممکن است کمتر به نهادهای آن، از جمله قوه قضاییه اعتماد کنند.
- **عوامل فرهنگی و زمینه‌ای**: میزان اعتماد به دولت می‌تواند تحت تأثیر عوامل فرهنگی و زمینه‌ای مانند محیط اقتصادی، یا میزان فساد باشد. این عوامل می‌توانند بر میزان اعتماد به قوه قضاییه و توانایی آن در رسیدگی به مسائل تبعیض تأثیر بگذارند.(Trust in Government,2013)

به منظور بازسازی اعتماد عمومی به حاکمیت تبعیض قضایی، رسیدگی به این علل ریشه‌ای ضروری است. این ممکن است شامل اجرای سیاست‌ها و شیوه‌هایی باشد که شفافیت، پاسخگویی و انصاف را ترویج می‌کنند. رسیدگی به ترویج رشد اقتصادی؛ بهبود عملکرد نهادهای دولتی؛ و رسیدگی به مسائل فساد و جانبداری در داخل قوه قضاییه. پرورش فرهنگ اعتماد از طریق ارتباط مؤثر و آموزش عمومی می‌تواند به بازسازی اعتماد عمومی به سیستم کمک کند. (OECD Public Governance Reviews,2010)

۸. شکاف اجتماعی و سرخوردگی عدالت در بین عامه مردم

تبعیض در تمام اشکال و عبارات ممکن یکی از رایج‌ترین اشکال نقض و سوء استفاده از حقوق بشر است. روزانه میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تشخیص آن یکی از سخت‌ترین موارد است. تبعیض و عدم تحمل مفاهیمی نزدیک به هم هستند. عدم مدارا عبارت است از عدم احترام به اعمال یا باورهای غیر از خود. همچنین شامل طرد افرادی است که ما آنها را متفاوت می‌دانیم، برای مثال اعضای یک گروه اجتماعی یا قومی غیر از گروه ما، یا افرادی که در جهت گیری سیاسی یا جنسی متفاوت هستند. عدم تحمل می‌تواند خود را در طیف وسیعی از اقدامات از اجتناب از طریق سخنان نفرت پراکن تا آسیب فیزیکی یا حتی قتل نشان دهد. تأثیر تبعیض ناعادلانه قضایی بر سرخوردگی و شکاف اجتماعی موضوع مهمی است که بر جنبه‌های مختلف جامعه از جمله عدالت کیفری، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و فرصت‌های شغلی تأثیر می‌گذارد. تبعیض زمانی اتفاق می‌افتد که با افراد کمتر از افراد دیگر رفتار شود که فقط به این دلیل که متعلق به گروه یا دسته خاصی از مردم هستند، در موقعیت مشابهی قرار دارند.

افراد ممکن است به دلیل سن، ناتوانی، قومیت، اصل، اعتقاد سیاسی، نژاد، مذهب، جنسیت یا جنسیت، گرایش جنسی، زبان، فرهنگ و به دلایل دیگر مورد تبعیض قرار گیرند، از جمله به دلایل مختلف در یک زمان. تبعیض، که اغلب نتیجه تعصباتی است که مردم دارند، افراد را ناتوان می‌کند، آن‌ها را از تبدیل شدن به شهروندان فعال باز می‌دارد، آن‌ها را از توسعه مهارت‌های خود و در بسیاری از موقعیت‌ها از دسترسی به کار، خدمات بهداشتی، تحصیلی و... محدود می‌کند. تبعیض ناعادلانه قضایی می‌تواند منجر به برداشت بی عدالتی و تبعیض شود که می‌تواند ناامیدی و شکاف اجتماعی را افزایش دهد. بر اساس تحقیقات، برداشت از تبعیض و رفتار ناعادلانه در دادگاه می‌تواند منجر به ناامیدی و سرخوردگی شود. نتایج نشان می‌دهد که در مقایسه با وکلای مرد سفیدپوست، مردان اقلیت رفتار ناعادلانه‌تری از سوی قضات و زنان سفیدپوست رفتار ناعادلانه‌تر کارکنان دادگاه را درک می‌کنند. درک ناعادلانه نیز عموماً برای وکلایی که سال‌های کمتری در این حرفه دارند بالاتر است، اگرچه مردان اقلیت با تجربه سطوح بسیار بالاتری از رفتار ناعادلانه قضات را نسبت به سایر گروه‌های مشابه گزارش می‌دهند.

این نشان می‌دهد که چالش‌های مرتبط با کار در یک محیط جدید یا کمتر آشنا در همه وکلا به طور یکسان احساس نمی‌شود. یافته‌ها پیامدهای مهمی برای درک موانع بالقوه برای گروه‌های مختلف در حرفه حقوقی دارند. این امر می‌تواند منجر به کاهش تعهد به هنجارها و رفتارهای مرسوم شود و منجر به افزایش توهین و ناآرامی اجتماعی شود. تبعیض همچنین می‌تواند منجر به افسردگی شود که می‌تواند بی صبری، تحریک پذیری و کاهش خودتنظیمی را افزایش دهد و به ناآرامی‌ها و اغتشاشات و تفرقه اجتماعی کمک کند. (Dumas:2018:p303)

علاوه بر این، تبعیض می‌تواند منجر به ایجاد دیدگاه‌های خصمانه از روابط شود، که در آن افراد در موقعیت‌هایی که مبهم یا خوش‌خیم هستند، نیات خصمانه را نسبت می‌دهند. این سوگیری می‌تواند واکنش‌های رفتاری را شکل دهد و منجر به حساسیت مفرط نسبت به تهدید و این باور شود که اقدامات اجباری برای دستیابی به آنچه شایسته است ضروری است. این قضیه همچنین می‌تواند منجر به نابرابری ساختاری شود، جایی که گروه‌های خاصی از موقعیت نابرابر در رابطه با گروه‌های دیگر برخوردار هستند، زیرا در نتیجه روابط نابرابر در نقش‌ها، وظایف، حقوق و فرصت‌هایشان وجود دارد. مبارزه با تبعیض باید از دادگاه‌ها خارج شود و وارد حوزه آموزش و سیاست شود. این رویکرد ناعادلانه می‌تواند با افزایش درک از بی عدالتی و تبعیض، کاهش تعهد به هنجارها و رفتارهای مرسوم، منجر به افزایش توهین و ناآرامی اجتماعی، و کمک به توسعه دیدگاه‌های خصمانه از روابط و نابرابری ساختاری، منجر به ناامیدی و شکاف اجتماعی شود.. پرداختن به تبعیض و ترویج برابری و انصاف در سیستم قضایی برای کاهش ناامیدی و شکاف اجتماعی و ترویج جامعه‌ای عادلانه‌تر ضروری است. (Burt et al,2012,p684)

۹. بستر سازی اعتراضات و ناامنی‌های سیاس و امنیتی

اعتراضات اجتماعی و سیاسی اغلب ناشی از بی عدالتی در جامعه است. این اعتراضات می‌تواند پاسخی به اشکال مختلف بی عدالتی اجتماعی و سیاسی از جمله نابرابری‌های اقتصادی، تبعیض، توزیع نابرابر قدرت و ساختارهای سیاسی فاسد باشد. افراد و جوامع ممکن است برای رسیدگی به بی عدالتی، ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی، و ابراز نارضایتی ناشی از بی عدالتی در تظاهرات شرکت کنند. با گذشت زمان، برخی از معترضان زمانی که احساس می‌کنند دولت‌ها نمی‌شنوند یا زمانی که روش‌های مسالمت‌آمیز تغییرات مطلوب را به سرعت کافی ایجاد نمی‌کنند، ممکن است رویکردهای رادیکال‌تری اتخاذ کنند. با وجود پتانسیل رادیکالیزه شدن، بسیاری از معترضان در جوامع غربی تمایل دارند از اقدامات خشونت آمیز اجتناب کنند. البته الگوهای بی‌عدالتی ساختاری که اغلب ریشه نقض حقوق بشر است. (Madison,2019:p243)

تظاهرات به عنوان ابزاری برای افراد برای به چالش کشیدن نظام‌های سرکوبگر، دفاع از حقوق خود و خواستار تغییرات معنادار عمل می‌کند. جنبش‌های مردمی و کنش‌گری نقش مهمی در افزایش آگاهی در مورد بی‌عدالتی‌های اجتماعی، تقویت صداهای به حاشیه رانده‌شده، و تقویت همبستگی میان جوامع مختلف دارند. آموزش همچنین با ترویج همدلی، تفاهم و حساسیت فرهنگی نقش بسزایی در مبارزه با بی عدالتی اجتماعی ایفا می‌کند. با پرداختن به موانع سیستمی، ترویج آموزش فراگیر، و توانمندسازی افراد برای به چالش کشیدن تبعیض، جوامع می‌توانند به سمت آینده‌ای عادلانه‌تر تلاش کنند.

اعتراضات اجتماعی و سیاسی اغلب ناشی از احساس عمیق بی عدالتی ناشی از عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. این اعتراضات منعکس کننده تلاش جمعی برای مبارزه با تبعیض، نابرابری و بی عدالتی است که هدف آن ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر و فراگیر برای همه افراد و جوامع درگیر است. اعتراضات اجتماعی و سیاسی نقش مهمی در ایجاد تغییر در جوامع دارند. این اعتراضات به عنوان مکانیسمی برای افراد و جوامع عمل می‌کند تا نارضایتی‌های خود را بیان کنند، نظام‌های سرکوبگر را به چالش بکشند و از تحولات اجتماعی و سیاسی دفاع کنند. با بسیج مردم حول اهداف مشترک، اعتراضات می‌تواند بر افکار عمومی تأثیر بگذارد، آگاهی در مورد بی عدالتی‌ها را افزایش دهد و دولت‌ها و نهادها را برای رسیدگی به مسائلی که به آنها اعتراض می‌شود تحت فشار قرار دهند. جنبش‌ها و اعتراضات اجتماعی می‌توانند به طور غیرمستقیم با جلب توجه به موضوعات خاص و درخواست تغییرات قانونی و سیاست‌ها تأثیر بگذارند (Gillan:2019,p301)

اعتراضات اغلب اموری منظم و گویا هستند که به افراد اجازه می‌دهند نارضایتی خود را از وضعیت موجود ابراز کنند و نشان‌دهنده نیاز به تغییر است. (Andrain & Apter,1995) معمولاً اعتراضات این قدرت را دارد که گروه‌ها و افراد مختلف را در پشت یک هدف مشترک متحد کند و صدایی جمعی ایجاد کند که توجه و اقدام مقامات را می‌طلبد. رویدادهای تاریخی مانند انقلاب انگلستان و انقلاب فرانسه نشان می‌دهند که چگونه اعتراض‌ها می‌توانند منجر به سرنگونی رژیم‌های سیاسی موجود شوند و راه را برای نظام‌های جدید هموار کنند. مثلاً در نگاهی به نظام بین الملل می‌توان گفت:

اعتراضات علیه مسائلی مانند جنگ ویتنام، بی عدالتی نژادی، و تغییرات آب و هوایی بر چشم انداز سیاسی در جهان غرب تأثیر گذاشته است و قدرت اعتراضات سازمان یافته را در ایجاد تغییر نشان می‌دهد. در این بین پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی با جذب و متحد کردن افراد بیشتر در پشت اهداف مشترک، قدرت معترضان را افزایش داده‌اند و تأثیر اعتراض‌ها را در دوران مدرن تقویت کرده‌اند. اعتراضات اجتماعی و سیاسی به عنوان ابزاری حیاتی برای ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی از طریق افزایش آگاهی، بسیج جوامع، تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و به چالش کشیدن ساختارهای قدرت موجود است.

از طریق کنش جمعی و حمایت، اعتراضات می‌توانند دگرگونی‌های ملموسی را در جامعه ایجاد کنند و اهمیت کنشگری در رسیدگی به بی عدالتی‌ها و تقویت پیشرفت را برجسته کنند. (Middelburg:2021)

نتیجه گیری

عدالت قانونی باید توسط همه مردم در یک جامعه احساس شود و احساس اعتماد و اطمینان به قانون در جوامع به تثبیت و تقویت حکومت‌ها منجر می‌شود. با تاکید بر اینکه همه افراد در برابر قانون برابر هستند، هیچ تبعیضی میان اشخاص حقیقی و حقوقی در خصوص اجرای مقررات کیفری و غیر کیفری وجود ندارد و عدالت اقتضا می‌کند که همه افراد جامعه بدون هیچ‌گونه تبعیضی خود را در برابر اجرای قانون موظف و مسئول بدانند. پر واضح است که یکی از آسیب‌ها و خطرات بالقوه و بالفعل قربانی شدن عدالت در جامعه نفوذهای سیاسی است. نفوذ سیاسی را می‌توان به طرق مختلفی تعریف کرد که جنبه‌های مختلف قدرت و اقناع را در حوزه سیاسی در بر می‌گیرد. این به عمل اعمال قدرت برای تأثیرگذاری بر یک نتیجه اشاره دارد، که می‌تواند به روش‌های غیر تهاجمی یا از طریق اقدامات تهاجمی انجام شود که به افراد دارای اختیار قانونی برای دستیابی به نتایج مطلوب تحمیل می‌شود. علاوه بر این، نفوذ سیاسی شامل فرآیندی است که طی آن افراد ایده‌های خود را بر اساس ایده‌های دیگران تغییر می‌دهند.

در تعریف دیگر آمده است نفوذ سیاسی و قدرت سیاسی مفاهیم مرتبط در حوزه سیاست هستند، اما معانی متمایزی دارند. نفوذ سیاسی به عمل اعمال قدرت در تلاش برای تأثیرگذاری بر یک نتیجه، بدون اینکه لزوماً تهاجمی باشد، اشاره دارد. همین امر باعث می‌شود به نظر نگارنده فرهنگ مجرمانه تبعیض در عدالت با تاکید بر نفوذ سیاسی در جامعه نهادیه شود و همین امر باعث می‌گردد آسیب‌های بسیاری متوجه نظام عالت و نظام سیاسی در یک کشور گردد که گهگاه در میان مدت و بلند مدت خطرات جبران ناپذیری را به دنبال خواهد آورد. به صورت مصداقی اگر بخواهیم صحبت کنیم جرائم مالی و اقتصادی را به دنبال خواهد داشت که نوعاً طیف وسیعی از فعالیت‌های غیرقانونی را در بر می‌گیرد که منجر به خسارات مالی و خسارت به اقتصادها و مؤسسات می‌شود. این جرائم شامل کلاهبرداری، فرار مالیاتی، پولشویی، فساد مالی و غیره است.

آن‌ها اغلب خشونت آمیز نیستند، اما تأثیرات قابل توجهی بر جامعه دارند، اتفاقاً با استناد نمونه‌های حاضر در عصر معاصر قرینه و همزاد برخی از افراد پرنفوذ سیاسی و حتی به عنوان مشخصه‌های آنها در جامعه از آن یاد می‌شود. این امر نوعی مصونیت نانوشته قانونی و قضایی برای آنها به دنبال آورده است که در تحقیقات مختلف به عنوان یکی از منشاء های اصلی فساد از آن یاد شده است مثلاً در نظرسنجی اخیر که توسط گالوپ اینترنشنال انجام شده است، ٦٣ درصد از پاسخ دهندگان، مصونیت مقامات دولتی از تعقیب قضایی را عامل اصلی افزایش فساد در کشور خود می‌دانند.

گروه های رانت خوار معمولاً از مکانیسم‌های قانونی یا سیاسی برای به دست آوردن مزیت‌ها بدون ایجاد ثروت بهره برداری می‌کنند. این گروه‌ها اغلب به دلیل خلأهای موجود در سیستم، عدم شفافیت و گاهی اوقات از طریق ارتباط با شخصیت‌های تأثیرگذار رشد می‌کنند. این همان وجه مصداق تبعیض نارواست تبعیض در تمام اشکال و عبارات ممکن یکی از رایج‌ترین اشکال نقض و سوء استفاده از حقوق بشر است. روزانه میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تشخیص آن یکی از سخت‌ترین موارد است. در نتیجه به نظر می‌رسد وجود فرهنگ‌های مجرمانه در قالب مصونیت‌های خاص سیاسی باعث می‌شود که افراد صاحب نفوذ سیاسی براحتی جرائم اقتصادی و مالی را مرتکب شوند و همین در کوتاه مدت باعث بی اعتماد به حاکمیت و نظام سیاسی می‌شود. پیشنهادات به شکل ذیل مطرح می‌گردد:

اولاً: تبدیل اقدامات نمایشی مبارزه با فساد و نفوذ سیاسی از نمایش تبلیغاتی به یک واقعیت موجود که می‌تواند بدون خط قرمز به استناد اصل برابری همه در برابر قانون به آن عمل شود.

ثانیاً: گسترش روندهای شفافیت و نظارت‌های الکترونیکی و مردمی می‌تواند سطحی پیشگیرنده در این حوزه ایجاد کند.

ثالثاً: گردش واقعی نه نمایشی نخبگان می‌تواند تا حدودی از این مفسده‌ها بکاهد.

فهرست منابع مآخذ

الف): منابع فارسی

- موسوی فرد، سیدمحمّدرضا، لطفی، حیدر، شمسی زاد، زهرا. (۱٤۰۱). رویکردی سیاسی در تفسیر هرمنوتیکی جرم سیاسی در قوانین موضوعه با تاکید بر رفتار سیاسی حاکمیت. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۵(۸).
- کوشا، جعفر. (۱۳۹۱). اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی. فصلنامه علمی پژوهش حقوق کیفری، ۱(۱)

ب): منابع لاتین

- Grant ،R ،Niemann. (2018). "Should political influence in the decision–making processes of international courts and tribunals be anticipated?". Open Access Journal ،2(4) doi: 10.15406/AHOAJ.2018.02.00060
- Nadeem ،R. (2023 ،December 20). Power ،corruption ،money and influence of everyday people in American politics | Pew Research Center. Pew Research Center - U.S. Politics & Policy. https://www.pewresearch.org/politics/2023/09/19/money-power-and-the-influence-of-ordinary-people-in-american-politics/

- Political Power: Definition & Influence | StudySmarter. (n.d.). StudySmarter UK. https://www.studysmarter.co.uk/explanations/geography/superpowers-of-the-world/political-power/
- -Breslin ،Brigid; Doron Ezickson; John Kocoras (2010). "The Bribery Act 2010: raising the bar above the US Foreign Corrupt Practices Act". Company Lawyer. 31 (11). Sweet & Maxwell:. ISSN 0144-1027.
- -https://www.freshfields.com/globalassets/services-page/global-investigations/publication-pdfs/gi-abc-guide-2017.pdf
- Omkar. (2023 ،November 7). The impact of Financial crimes | Money laundering | KYC Hub. KYC Hub. https://www.kychub.com/blog/the-impact-of-financial-crimes
- Baude ،W. ،& Review ،S. L. (2022). Is Quasi-Judicial immunity qualified immunity? Stanford Law Review. https://www.stanfordlawreview.org/online/is-quasi-judicial-immunity-qualified-immunity
- Zabyelina ،Y. (2023). The Immunities of Public Officials under International Law. In Between Immunity and Impunity: External Accountability of Political Elites for Transnational Crime chapter ، Cambridge: Cambridge University Press.
- -Van Alebeek ،R. (2008). Personal immunity. In Oxford University Press eBooks. https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199232475.003.0004
- Powers ،M. (2019). Resistance to injustice. In Oxford University Press eBooks https://doi.org/10.1093/oso/9780190053987.003.0008
- Gillan ،K. (2019). Social Movements ،Protest ،and Practices of Social Change. The Wiley Blackwell Companion to Sociology ،Second Edition،. https://doi.org/10.1002/9781119429333.ch18
- -Middelburg ،M. (2021 ،October 20). Protests as a vehicle for political change. E-International Relations. https://www.e-ir.info/2021/10/19/protests-as-a-vehicle-for-political-change
- Andrain ،C. F. ،& Apter ،D. E. (1995). Political protest and social change. In Palgrave Macmillan UK eBooks. https://doi.org/10.1057/9780230377004
- -Michael Lenza(2010): The Impacts of Political Policies ،Criminality ،and Money on the Criminal Justice System in the United States: SOCIAL AND CULTURAL SCIENCES FACULTY RESEARCH AND PUBLICATIONS ، https://epublications.marquette.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1137&context=socs_fac

- -Schwuchow ،S. C. (2023). Organized crime as a link between inequality and corruption. European Journal of Law and Economics ،55(3)،. https://doi.org/10.1007/s10657-023-09764-x
- -Yadav ،B. (2023 ،March 19). Crime and politics: How politics shapes criminal activity. Nepal Live Today. https://www.nepallivetoday.com/2023/03/19/crime-and-politics-how-politics-shapes-criminal-activity
- Collins ،T. A. ،Dumas ،T. L. ،& Moyer ،L. P. (2018). Tipping the Scales of Justice: Perceptions of Unfair Treatment in the Courtroom. The Justice System Journal ،39(4)،. https://www.jstor.org/stable/26675277
- -Burt ،C. H. ،Simons ،R. L. ،& Gibbons ،F. X. (2012). Racial discrimination ،Ethnic-Racial socialization ،and crime. American Sociological Review ،77(4)،. https://doi.org/10.1177/0003122412448648
- Discrimination and Intolerance - Manual for Human Rights Education with Young people - www.coe.int. (n.d.). Manual for Human Rights Education With Young People. https://www.coe.int/en/web/compass/discrimination-and-intolerance
- Painter ،M. ،& Qiu ،T. (2021). Political beliefs affect compliance with government mandates. Journal of Economic Behavior & Organization،. https://doi.org/10.1016/j.jebo.2021.03.019
- -Ali Abbas ،Asim I. Khwaja،Adnan Khan. Monica Singhal(March 2017): Final reportPilot study on effect of political influence on tax payment compliance: https://www.theigc.org/sites/default/files/2017/06/Abbas-et-al-2017-Final-report.pdf
- -Chen ،C. C. ،Guo ،R. ،& Lin ،L. Y. (2023). The effect of political influence on corporate valuation: Evidence from party-building reform in China. International Review of Law and Economics ،73 ،106120. https://doi.org/10.1016/j.irle.2022.106120
- -Tsai ،L. L. (2015). Constructive Noncompliance. Comparative Politics ، 47(3)،. http://www.jstor.org/stable/43664146
- -Damania ،R. ،Fredriksson ،P. G. ،& Mani ،M. (2004). The Persistence of Corruption and Regulatory Compliance Failures: Theory and Evidence. Public Choice ،121(3/4)،. http://www.jstor.org/stable/30026545
- -Trust in government. (2013). In Government at a glance https://doi.org/10.1787/gov_glance-2013-7-en
- OECD public governance reviews. (2010). OECD Public Governance Reviews. https://doi.org/10.1787/22190414
- Sękowski ،S. (2021). The pros and cons of rent-seeking: Political rent in various research paradigms. Studia Z Polityki Publicznej ،8(2(30))،. https://doi.org/10.33119/kszpp/2021.2.1

- Angelopoulos ،A. ،Angelopoulos ،K. ،Lazarakis ،S. ،& Philippopoulos ،A. (2021). The distributional consequences of rent-seeking. Economic Inquiry ،59(4)،. https://doi.org/10.1111/ecin.13009
- Woodside ،A. G. ،De Villiers ،R. ،& Marshall ،R. (2016). Foundations for theory and practice of Competence and Incompetence training. In Springer eBooks. -https://doi.org/10.1007/978-3-319-39108-3_1
- -Mandhar ،A. (2023 ،April 26). The psychology of incompetence. https://www.linkedin.com/pulse/psychology-incompetence-aakash-mandhar
- Norman F. (2016) On the Psychology of Military Incompetence: Dixon ، Norman F: 9780465097807: Amazon.com: Books. (n.d.). https://www.amazon.com/Psychology-Military-Incompetence-Norman-Dixon/dp/0465097804